



۲۰۱۷/۰۷/۱۲



م. اسحاق نگارگر

## دو نمونه از حُسن تعلیل در شعر انگلیسی

حسن تعلیل یکی از صنعت های ادبی است که در آن شاعر برای یک امر طبیعی علت خیالی و زیبا ابداع می کند و این علت خیالی بی اندازه زیبا و ابتکاری است. به طور مثال در طبیعت کثافت چوب کمتر از آب است و به همین دلیل چوب در آب غرق نمی شود و بر روی آب شنا می کند اما از جهت دیگر چوب از درخت به دست می آید و درخت را آب پرورش می دهد و اگر آب آن را پرورش ندهد درخت خشک می شود. انسان نیز پرورده خود را زبون نمی سازد. شاعر از این دو حادثه استفاده خیالی نموده می گوید:

چوب را آب فرو می نَبَرَد دانی چیست؟

شرمش آید ز فرو بردن پرورده خویش

این گونه صنعت بدیعی را حسن تعلیل می گویند؛ حالا به این دو مثال انگلیسی توجه بفرمایید. مسؤلیت ترجمه آن به فارسی دری بر عهده من است.

Dawn

An angel, robed in spotless white,  
Bent down and kissed the sleeping night.  
Night woke to blush; the sprite was gone.  
Men saw the blush and called it Dawn.  
(Paul Laurence Dumber ۱۸۷۲ to ۱۹۰۶)

## سپیده

فرشته جامه بی لکه سپید به بر؛

خمید و بر رخ شب بوسه ز مهر نهاد.

ز خواب شب بپرید و ز شرم قرمز شد

بدید مردم و آندم سپیده نامش داد.

و اما مثال دوم: در این جا "رابرت هرک" مدعی است که در باغ ها گل سرخ یا سوری وجود نداشت اما همان گل یا به اصطلاح ما و شما گلاب سفید سینه زیبای سافوی مرا دید و گرفتار خجالت شد و رنگش از خجالت سرخ شد و بدین ترتیب سرخ باقی ماند. نخست انگلیسی آن را از نظر می گذرانیم:

How Roses came red  
Roses at first were white,  
Till they could not agree  
Whether my Sappho's breast  
Or they more white should be.

\*\* \* \*\*

But, being vanquished quite,  
A blush their cheeks be spread,  
Since which (believe the rest)  
The roses first came red.  
(Robert Herrick ۱۵۹۱ to ۱۶۷۴)

مسئولیت ترجمه این یکی نیز بر عهده من است.

## گل سوری چه گونه سرخ شد؟

گل سوری سپید بود نخست	در چمن ها گلاب سرخ ترست
بر سیمین سافوی من دید	رنگش از رخ پرید و دست گزید
از خجالت قیافه اش افروخت	سخت در آتش حسادت سوخت
لاجرم چهره اش بشد گلگون	رنگ شرمش بود عیان اکنون

تاریخ ترجمه: ۱۶ اپریل ۱۹۹۶ نگارگر